

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال یازدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۳۹
بررسی سبک شعر جلال‌الدین عتیقی (مطالعه موردی: دیوان شعر)
(ص ۹۷-۷۹)

سعید پور امینایی (نویسنده مسئول)^۱، دکتر محمود مدبری^۲، دکتر محمد صادق بصیری^۳
تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۶
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۶

چکیده:

جلال‌الدین عتیقی تبریزی، شاعر، واعظ و خطیب سرشناس دوره دوم ایلخانی، در تبریز، به دنیا آمد. از او دو اثر - یکی "دیوان شعر" و دیگری "مجالس" (به نثر) - باقی مانده است. دیوان اشعار او علیرغم پختگی ذهن و زبان و اهمیتی که در سیر تحول ادب فارسی به ویژه در تحول سبک، از خراسانی به عراقی و ورود مفاهیم و مبانی عرفان و تصوف در شعر فارسی دارد، کمتر شناخته شده است. در دیوان شعر عتیقی، علاوه بر صنایع و آرایه‌های ادبی، مفردات و ترکیبات نادر فراوانی وجود دارد که از نظر ادبی و زبانی حائز اهمیت است. افکار صوفیانه و عارفانه، ترجیح عشق بر زهد، خاکساری مفرط به درگاه معشوق، وحدت وجود، و... از جمله اختصایات فکری شعر عتیقی است. نگارندگان این مقاله کوشش خواهند کرد تا به این پرسش پاسخ دهند که اهمیت و مختصات سبکی دیوان اشعار جلال‌الدین عتیقی در چیست؟

کلمات کلیدی: جلال‌الدین عتیقی، دیوان شعر، نسخه خطی، مختصات سبکی

-
۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی saeedpouraminaei43@gmail.com
 ۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان modaberi2001@yahoo.com
 ۳. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان Ms.basiri@gmail.com

مقدمه:

یکی از پشتوانه‌های بالقوهٔ زبان و ادبیات فارسی، نسخه‌خطی و متونی است که تا کنون به هر دلیلی تصحیح و تحشیه نشده است. ضرورت گزارش و معرفی این دسته از متون، از آنجاست که فرصت سیر تحول ذهن و زبان ادبی و فرهنگی جامعه را از گذشته تا امروز، برای مخاطبین علاقه‌مند فراهم می‌کند و شناخت سبک و سیاق بیان و راه و رسم به کارگیری عناصر تأثیرگذار زبانی، ادبی، فکری و... در پرتو تصحیح و شناخت درست متون، حاصل می‌شود.

شناخت رمز و رازهای دیوان شعر "جلال‌الدین عتیقی تبریزی" به چند دلیل عمده می‌تواند حائز اهمیت باشد؛

۱- جلال‌الدین عتیقی تقریباً هم‌عصر بزرگانی همچون؛ مولانای بلخی، سعدی شیرازی و عطار نیشابوری بوده است و می‌توان گفت که این شاعران، خاطرات و خطرات مشترکی از حضور مغولان در سرزمین ایران داشته‌اند. این امر مبین این حقیقت است که عتیقی، سعدی، مولانا و عطار، میراث دار و دانش‌آموختهٔ مکاتب پیش از حضور مغولان بوده‌اند و کیفیت ذهن و زبان ادبی این بزرگان به روزگار قبل از مغول تعلق دارد. لذا برای مطالعه و بررسی آثار این مجموعهٔ مهم از شاعران زبان فارسی، مطالعهٔ دیوان شعر عتیقی می‌تواند راهگشا باشد.

۲- پیش از عتیقی و پس از وی، شاعران بزرگی همچون سنایی و حافظ در عرصهٔ ادب فارسی ظهور کرده‌اند، لذا برای بررسی سیر تحول زبان و ادب فارسی از سنایی تا حافظ که بزرگترین شاهکارهای عارفانه و عاشقانهٔ زبان فارسی پدید آمده‌اند، مطالعهٔ ذهن و زبان عتیقی به عنوان حلقهٔ واسط این تحول حائز اهمیت است.

۳- مکتب ادبی ارانی (آذربایجانی) یکی از مکاتب مهم زبان و ادب فارسی است که در زادبوم جلال‌الدین عتیقی شکل گرفته و بالیده است و بزرگانی همچون خاقانی، نظامی و... به این سبک و مکتب ادبی شعر گفته‌اند، لذا برای شناخت دقیقتر این مکتب و سبک ادبی، مطالعه و شناخت دیوان شعر جلال‌الدین عتیقی تبریزی، سودمند و مهم است.

پیشینه تحقیق

در زمینهٔ بررسی آثار و افکار جلال‌الدین عتیقی تاکنون پژوهشهایی انجام پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به شرح ذیل اشاره کرد:

"تصحیح و تحشیهٔ مجالس جلال‌الدین عتیقی" به همت سعید کریمی (۱۳۹۲) مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مقدمهٔ "دیوان عتیقی" (چاپ عکسی از روی نسخهٔ خطی کتابخانهٔ فاتح استانبول) نصرالله پورجوادی و سعید کریمی

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: "جایگاه جلال الدین عتیقی در تصوف سده هفتم ه. ق تبریز به همراه تصحیح منابع عتیقی و مقایسه آن با برخی از آراء عرفانی امام خمینی" از سعید کریمی (۱۳۸۴)

"نقد و معرفی نسخه برگردان دیوان جلال الدین عتیقی" از جواد بشری فصلنامه نامه بهارستان پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

تصحیح و معرفی "مثنوی مناظره آهو و کمان" عتیقی تبریزی از مرتضی چرمگی عمران و علی اکبر رضائی در فصلنامه بهارستان بهار و تابستان ۱۳۹۴
امابه طور ویژه در خصوص بررسی سبکی شعر عتیقی تبریزی، تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است تاکنون تحقیقی جامع در این حوزه انجام نشده است.

معرفی جلال الدین عتیقی

"مولانا جلال الدین عبدالحمید بن قطب الدین عتیقی تبریزی" مشهور به عتیقی تبریزی «از شاعران قرن هفتم هجری و از معاصران اولجایتو خان بوده و با خواجه رشید الدین فضل الله وزیر و پسرش غیاث الدین محمد رابطه داشته است» (تاریخ ادبیات ایران، صفا: ۱۱۲۵). عتیقی «گویا در سال ۶۴۶ ه. ق در تبریز زاده شد». (مقدمه دیوان عتیقی، پورجوادی: ۳۰) بنا به گفته "ابن کربلایی" «عتیقی یکی از علمای بزرگ دوره ایلخانی بود که به علوم ظاهری و باطنی تسلط داشت. او واعظ توانایی نیز بود و در عمارت غیاثیه تبریز، که بنای خواجه غیاث الدین وزیر است، وعظ میکرد و علمای بزرگی در مجالس او شرکت میکردند.» (مقدمه روضات الجنان و جنات الجنان، سلطان القرابی) «پدر عتیقی، قطب الدین عبدالرحمان، از مفسران و وعاظ شهیر و عالمان بزرگ آذربایجان در قرن هفتم هجری به شمار میرفته و خاندان وی به فضل و احسان، معروف و در علم و حشمت و جوانمردی بی بدیل بوده اند.» (مقدمه مجالس، کریمی) «نسب عتیقی به برادر شیخ شهاب الدین محمود عتیقی اهری (متوفی ۶۶۵ ه. ق) که خود شاگرد رکن الدین سجاسی و از مشایخ صوفیه سلسله سهروردیه در قرن هفتم بوده است، می رسد» (مقدمه روضات الجنان و جنات الجنان، سلطان القرابی).

آثار جلال الدین عتیقی

«محمد علی تربیت به نقل از "اوحدی بلیانی" نوشته است که «تألیف و تصانیف بسیار داشته است» (مقدمه مجالس، پورجوادی، کریمی) اما در حال حاضر آثار شناخته شده او که در دسترس است عبارتند از:

۱- دیوان اشعار

۲- مجالس (منثور)

۳- سه یادداشت کوتاه (تقریظ بر تفاسیر خواجه رشیدالدین فضل‌الله)

۴- منابع (این اثر توسط ابوالمجد محمدبن ملک مسعود که خود از مریدان جلال‌الدین بوده است و محضراو را درک کرده و از منابع او شنیده و نکاتی را یادداشت کرده است.) (مقدمه سفینه تبریز، حائری)

۵- مثنوی کوتاهی با عنوان "مناظره آهو و کمان" در ۱۱۸ بیت به بحر هزج مسدس محذوف، با ژرف ساختی حماسی که در زمان حیات شاعر به سال ۷۲۱ کتابت شده است و در سفینه تبریز آمده است. (ر.ک. چرمگی عمرانی و رمضانی: ۲۳۴)

۶- تعداد قابل توجهی از اشعار و ابیات پراکنده عتیقی در جنگها و سفینه‌ها موجود است از آن جمله تعداد ۱۲۵۰ بیت در قالب غزل از ایشان در "خلاصه‌الاشعار تقی‌کاشی" آمده است. (اکثر این ابیات در دیوان او آمده است.)

کتاب‌شناسی دیوان عتیقی

(۱) معرفی نسخه

نسخه‌ای از "دیوان جلال‌الدین عتیقی تبریزی، در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی به طبع رسیده که در مقدمه آن آمده است: «از روی نسخه خطی نفیس آن، متعلق به کتابخانه فاتح استانبول، بصورت عکسی چاپ شده است» (مقدمه دیوان عتیقی، پورجوادی: ۷) در ادامه مقدمه، نسخه اثر، به طور مختصر چنین معرفی شده است: «...نسخه به خط نسخ و شامل ۳۹۹ برگ است و در تاریخ بیستم ذی‌الحجه سال ۷۴۳ ه.ق بدست "علی‌شاه بن احمد شاه بن علی الضایع الاصفهانی" کتابت شده است. (ابیات و شاهد مثال‌های این مقاله از روی همین نسخه تهیه و تنظیم شده است.)

(۲) محتوای نسخه

در مجموع این نسخه قریب ۱۶ هزار بیت است که مشتمل بر قوالب شعری؛ قصیده، ترجیع‌بند، قطعه، غزل، رباعی و مثنوی است.

محتوای دیوان شامل ۱۰۰ قصیده است که از این مجموعه ۱۱ قصیده به زبان عربی و بقیه به زبان فارسی است. بیشتر قصاید عتیقی در مدح بزرگان و وزیران دولت ایلخانی سروده شده است. از آنجاکه عتیقی از صوفیان بلندآوازه روزگار خود بوده است بعد از مدح، اندیشه‌های صوفیانه عمده‌ترین موضوع شعری قصاید اوست.

تعداد ۱۰ ترجیع‌بند در دیوان عتیقی آمده است، نکته قابل توجه اینکه در این نسخه، قالب غزل و دوبیتی هم در میانه ترجیعات آمده است و حتی در صدر بعضی از غزل‌ها عنوان "ترجیع‌بند" نوشته شده است که یحتمل سهو کاتب است.

تعداد غزلیات عتیقی در این نسخه بالغ بر ۱۲۲۷ غزل است که تقریباً در تمام حروف قافیۀ غزل آورده است، شهرت او نیز در غزل سرایی بوده است. قهرمان غزلیات او پیرو سنت ادبی سبک عراقی معشوق است که هم جنبۀ زمینی و هم جنبۀ افلاکی دارد و حد فاصل بین معشوق و معبود است. عتیقی در این نسخه ۵۲ قطعه دارد که ۷ قطعه به زبان عربی و بقیه زبان فارسی است، غالب قطعات او در مدح و پند است. همچنین تعداد ۲۵۱ رباعی وجود دارد که عمده مضامین آنها عشق در دو ساحت زمینی و افلاکی است. و نیز تعداد ۴ مثنوی نسبتاً کوتاه آمده است که کاربرد این قالب به نسبت دیگر قالب شعری کمتر است.

ممدوحان عتیقی

یکی از ویژگیهای قابل توجه در دیوان عتیقی اشعار و ابیاتی است که در مدح سلاطین، وزرا و رجال عهد ایلخانی سروده است از جمله ممدوحان عتیقی که می توان بدانها اشاره کرد عبارتند از:

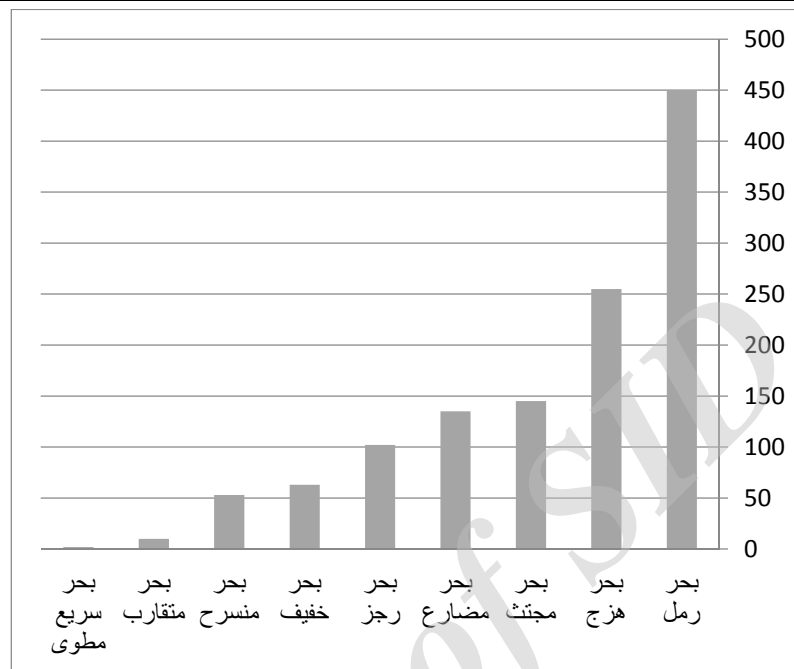
- ۱- سلطان اولجایتو معروف به سلطان محمد خدا بنده از سلاطین بزرگ ایلخانی.
- ۲- سلطان ابوسعید بهادر جانشین سلطان اولجایتو.
- ۳- خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی از وزیران و دانشمندان بزرگ عهد ایلخانی که حداقل در عهد سه تن از سلاطین ایلخانی یعنی؛ غازان خان، اولجایتو و ابوسعید، منصب وزارت داشته است.
- ۴- غیاث الدین محمد و نیز خواجه مجدالدین، فرزندان خواجه رشید الدین همدانی.
- ۵- همام تبریزی از شاعران و صوفیان سرشناس دوره ایلخانی..

بررسی دیوان عتیقی و ویژگیهای آن:

شهرت شعری عتیقی عمدتاً در غزلسرایی بوده است و در نسخه موجود از دیوان او نیز بیشترین حجم اشعار او قالب غزل است.

۱) موسیقی بیرونی (وزن)

همانگونه که قبلاً اشاره شد دیوان عتیقی بیش از ۱۶ هزار بیت است و پرداختن به ریز اوزان و محور بکار رفته در این پژوهش محدود ممکن نیست، لذا با عنایت به اینکه شهرت شاعری عتیقی در غزلسرایی بوده است و نیز بیشترین حجم دیوان موجود را نیز قالب غزل تشکیل داده است تنها به پر کاربردترین محور و اوزان در غزلیات دیوان او با نمودار زیر اشاره میشود:



نمودار ۱

۲) موسیقی بیرونی (وزن):

بحر رمل و زحافات آن در مرتبه نخست و بحر هزج و زحافات آن در مرتبه دوم بیشترین بسامد را در دیوان عتیقی دارد، این دو بحر از بحور دلنشین و مورد علاقه اکثر سخنوران زبان فارسی است که اصطلاحاً به اوزان جویباری معروفند « اوزان جویباری از ترکیب نظام ایقاعی خاصی حاصل میشود که با همه زلالی، زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمیشود» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ۳۹۵)

۳) موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

قافیه: اکثر قاصید دیوان عتیقی مردف نیستند و تنها قافیه رعایت شده است و آن هم عمدتاً از نوع قوافی اسمی کم کاربرد عربی است. اما این امر در قالب غزل و دیگر قوالب شعری دیوان از بسامد بالایی برخوردار نیست.

ردیف: در سراسر دیوان، قید، اسم، گروه فعلی، ضمیر، فعل ربطی و فعل تام به عنوان ردیف به کار رفته است که بسامد فعل تام و فعل ربطی از دیگر موارد بیشتر است. ردیفهای نادر و کم کاربردی مثل؛ شکم، پا، جگر، جود، سلک و... هم در دیوان کم نیستند.

مختصات سبکی شعر جلال الدین عتیقی

(۱) مختصات زبانی

با آنکه جلال الدین عتیقی، اهل تبریز و در مرکز رواج زبان ترکی و دوره حیات و ممات او در روزگار ایلخانان مغول بوده است، در سراسر دیوان شعر او نشانه‌ای از دل‌بستگی یا تسلط او- حداقل در این دیوان- به زبان ترکی و مغولی دیده نمی‌شود، این در حالی است که یازده قصیده و تعداد چشمگیری ملامت و نیز مفردات، اصطلاحات و ترکیبات عربی در دیوان او دیده می‌شود که نشان می‌دهد بر زبان عربی تسلط کافی داشته است.

بطور کلی زبان شعری عتیقی در بسیاری از قصاید، دیریاب است و این امر هم ناشی از به کارگیری کلمات و ترکیبات نادر و کم کاربرد و هم به واسطه افکار ظریف صوفیانه‌ای است که در سخن او، مشهود است. در باقی قالبهای شعری، زبان او، ساده و به دور از تصنع و تکلف است. شهرت عتیقی بیشتر در غزل است و به تاکید حمدالله مستوفی «سخنان خوب دارد به تخصیص در غزلیات» (تاریخ گزیده، مستوفی: ۷۲۵) علاوه بر این «قصه مناظره آهو نیز از جمله مناظرات ارزنده به جا مانده از قرن هشتم هجری از او است» (چرمگی عمرانی و رمضان: ۲۳۴) ذیلاً به پاره‌ای از مختصات زبانی دیوان شعر او اشاره می‌شود. با این یادآوری که آنچه به عنوان شاهد مثال آورده می‌شود مصداق "مشت نمونه خروار" است.

(۱-۱) واژه‌های مفرد نادر و کم کاربرد؛

در سراسر دیوان عتیقی سه دسته عمده از مفردات نادر و کم کاربرد وجود دارد: الف) مفردات دخیل عربی که بیشترین بسامد را دارند ب) مفردات سره فارسیج) مفردات ترکی (بر خلاف انتظار میتوان گفت کمترین بسامد را مفردات واژه‌های مغولی دارند) علاوه بر این معدودی از مفردات زبانهای هندی نیز در این اثر دیده میشوند که بیشتر اسم جنگ افزارها هستند.

- مُرَعَج: پریشانی

بمانده در عقبات عقاید واهی مهیجی نه ز تبشیر و مرعجی ز انذار

۵۸ ب ۱۹

- خُلُوك: تیرگی شدید، سخت سیاه شد

به آتشی که سم باره ات چو انگیزد ز کاینات کند پی حلوکت شبها

۸ ب ۹

- مِقْدَحَه: آتش زنه

آتشی چون مقدحه در جان توست اربشکنی دانی آن خاصیت اکنون گر نمی یاری چخید

۴۱ ب ۴

- استنارت: مدد خواستن به شعاع و روشنی جستن

نه قدح کرده به نوک سیاه ز بد گذر در استنارت فرمان آفتاب آثار
 ۱۳ ب ۶۱

- زُقه: آب و دانه که طایر از گلو درآورد و در دهن بچه اندازد.

من و حدیث تو بنجشک و زقه سیمرغ من و حال تو خورشید و دیده خفاش
 ۱ ب ۴۷۴

- تسمید: از بن کردن موی سر

نی نی که آب گیرد نرگس نشان حسن تسمیدش ار کنند به خاک سیاه خوار
 ۸ ب ۶۳

- تَوَرط: به کار دشوار افتادن

هوای منصب و مالم چو گشت بر دل سرد شد از تَوَرط آن کار ما کشیده عنان
 ۲ ب ۱۸۵

- مزالِق: ج مزلق به معنی لغزیدن

نگاه دار عنان سرود توسن طبع در این مزالِق شبیهت ز اعترای عشار
 ۵ ب ۶۰

- پردان: دانا و بسیار دان

ولی چه سعی نمودم که تا ز هر علمی نصیب یافتم از یمن خاطرپردان

- بنجشک: گنجشک

من و حدیث تو بنجشک و زقه سیمرغ من و حال تو خورشید و دیده خفاش
 ۱ ب ۴۷۴

- اَفچه: اشرفی و نوعی سکه

افچه ها کان شب رود از کم عیاری ریخته وز حریفان جسسته از بهر گرو نقد و بقا
 ۱۲ ب ۱۳

۲-۱) ترکیبات نادر و کم کاربرد

علاوه بر مفردات، پاره ای از ترکیبات نادر و کم کاربرد نیز در این اثر وجود دارد که از نظر سبک شناسی حائز اهمیتند. از نظر بسامدی ترکیبات فارسی سره به نسبت مفردات فارسی و عربی از بسامد بالاتری برخوردارند و میتوان گفت که پاره ای از این ترکیبات نه تنها کم کاربرد بلکه نادر هستند.

- خلیع عذار
ندای هاتف غیبی به گوش جان آمد
که ای عنان کش گردون مشو خلیع عذار
ب ۶۰ ۴
- بقله الحمقاء
خرد روید ز تأثیر هوایت
به جای بقله الحمقا ز قزوین
ب ۱۸۲ ۱۹
- بین الماء و الطین
تو بودی آفتاب آن ولایت
که آدم بود بین الماء و الطین
ب ۱۸۲ ۳
- جایهای بی جایان (پارادوکس)
دیده ام جایهای بی جایان
دست ادراک عقل ازو کوتاه
ب ۶۵۹ ۵
- بتان عقل بند
مه که از عالم به زیبایی سراید شاهدیست
از بتان عقل بند وز نیکوان دلگشا
ب ۱۳ ۱
- تر پرسشی
دلگرمی مرا نه ز خورشید مهربان
تر پرسشی ندیده لب خشکم از سحاب
ب ۱۵ ۱۰
- پیازوار
پیازوار لباسند سر به سر این قوم
نه مغز و گنده دماغی است مغز جان رنجان
ب ۱۲۶ ۸
- خم انجیل خوان
دوش به دیری شدم بسته همه دم خموش
جز خم انجیل خوان کس نه که می زد
خروش ۴۹۶ ب ۶
- شترگره
چرا جهان ز شترگره هاش چو شتر
که خار می خورد آسان و آب خوش دشوار
ب ۵۹ ۱۲
- گردنی کردن
به دل گفتم بده جان گردنی کرد
ز غم گفتم حذر کن بودنی بود
ب ۳۸۸ ۱۳
- هفت جوش آینه عقل

- به چشم وهم برین هفت جوش آینه عقل نظر فکند نظیرت نمی شود دیدار
۱۹ ب ۶۵
- لافگاه جسمانی
به عاریت ز جهان خودم بیاوردند برای زینت این لافگاه جسمانی
۲۲ ب ۱۳۷
- تقوی هنگامه گیر
خانه برانداز عقل باده بده تا به کی تقوی هنگامه گیر زهد دکانچه طراز ۴۶۱ ب
۲۲
- هوا سوار
چه هددهی است زرین بال نامه آور مهر هواسوار دلم را ز دار ملک سببا
۴ ب ۴
- یک سوار
ماه است برافراشته ز آیات صبحدم از یک سوار شاه سپهر جهان گشا
۲۳ ب ۳
- چشمه خورشید آب تیغ
مجوی چشمه خورشید آب تیغ که خواست به خون خویش مگر تشنه عمری از جهلا
۱۱ ب ۵
- درق چناری
بوم گنبدیده تر از درق چناری الفاظ قصد شاهین کند اینجا نه مقام حذر است
۱۷ ب ۳۵
- میمون دستکان
نه همچون کارگاه صنع و تقدیر به میمون دستکان حسن تصویر
۱۴ ب ۱۶۵

قالب

دیوان عتیقی قریب به شانزده هزار بیت شامل؛ قصاید، ترجیعات، مقطعات، مرثیات، مفردات، غزلیات (غزل ملمع نیز دارد)، رباعیات و مثنویات است که عمدتاً به زبان فارسی است، اما قریب به یازده قصیده به زبان عربی و یک بیت هم به زبان پهلوی دارد. عمده قالب شعری عتیقی اول غزل و بعد از آن هم قصیده است. قصاید عتیقی بسیار پربار و در مواردی قصایدی همسنگ قصاید سنایی و خاقانی دارد.

تأثیرپذیری عتیقی از شاعران پیش از خود

اگرچه جلال الدین عتیقی از شاعران طراز اول و جریان ساز زبان و ادب فارسی نیست و یا حداقل با این عنوان شناخته نمیشود اما دیوان شعر او را میتوان تلاقی مضامین و افکار پیش و پس از ظهور مغولان دانست چرا که هم از شاعران طراز اول پیش از خود مانند؛ رودکی، سنایی، انوری، و... تأثیر گرفته و ابیاتی را آنها تضمین کرده است و هم با شاعران هم روزگار خود مثل سعدی و مولوی و نیز شاعران بزرگ بعد از خود مثل حافظ و... اشتراک مضامین بسیاری دارد که ذیلاً به مواردی در این خصوص مختصراً اشاره میشود:

(۱) تضمین

- تضمین از سنایی

می فشاندم گل براو دست از جهان افشانده گفت "برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزین"

رخ به خون شوی ای عتیقی بهر کام این راست نیست رخ چو عیاران مدار و جان چو نامردان مکن

عتیقی: ۳۲ب-۳-۲

برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزین رخ چو عیاران مدار و جان چو نامردان مکن

سنایی: ۱۳۷۵: ۲۵۱

- تضمین از رودکی

چو تخم مهر رخ گلش برم در خاک ز خاکم آتش لاله دمد به جای گیاه

۶۵۶ب ۹

سماع و باده گلگون و ساقیان چو ماه اگر فرشته ببیند که هم رود از راه

نظر چگونه بدوزم که بهر دیدن دوست ز خاک من همه نرگس دمد به جای گیاه

۶۵۸ب ۹-۸

کسی که آگهی از ذوق خوبان یافت ز خویش حیف بود گر شود دمی آگاه

عتیقی: ۶۵۸ب ۱۲

سماع و باده گلگون و ساقیان چو ماه اگر فرشته ببیند در اوفتند به چاه

نظر چگونه بدوزم؟ که بهر دیدن دوست ز خاک من همه نرگس دمد به جای گیاه

کسی که آگهی از ذوق خوبان یافت ز خویش حیف بود گر دمی بود آگاه

رودکی: ۱۳۸۵: ۱۰۸

- تضمین از انوری

- آخر نه آن کشم که همی گویدم خرد "کای انوریت بنده و چون انوری هزار" عتیقی: ۴۸ ب ۱
- گفتم که این نخست خداوندی تو نیست ای انوریت بنده و چون انوری هزار انوری ۱۳۷۳: ۱۷۹
- ابر از فتح باب کفت حمله شود بارد به جای ژاله ازو لؤلؤ خوشاب عتیقی: ۲۵ ب ۱۱۹
- تو آن کسی که ز باران فتح باب کفت مزاج سنگ شود مستعد نشو و نما انوری ۱۳۷۳: ۱۵
- (البته عتیقی و کاتب دیوان او، هیچ‌گونه اشاره‌ای که دلالت بر تضمین این ابیات از شاعر باشند نکرده اند.)
- ۲) مضامین مشترک
- مضامین مشترک با سعدی
- گر بگویی ز پیش از دو جهان بر خیزم لیک ازو صبر مفرمای که آن نتوانم عتیقی: ۱۰ ب ۱۲
- هر نصیحت که کنی بشنوم ای یار عزیز صبرم از دوست مفرمای که من نتوانم سعدی ۱۳۷۱: ۶۸۱
- نیست معلوم که از عمر چه مانده است بیا تا دمی چند که داریم غنیمت شمردیم عتیقی: ۳ ب ۱۲
- کاشکی قیمت انفاس بدانندی خلق تا دمی چند که مانده است غنیمت شمردن سعدی ۱۳۷۱: ۱۰۰۶
- گرم کنند مخیر میان خلد و درت به خاک پات که جز خاک پات نگزینم ۵۷۷ ب ۱۷
- گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را سعدی ۱۳۷۱: ۴۴
- مضامین مشترک با مولانا
- از بهر مار عین حیات است زهر او از بهر دیگری است شده زهر آن لعاب عتیقی: ۲۹ ب ۱۰
- زهر مار آن مار را هم قوت و برگ غیر او را زهر او درد استومرگ مولوی ۱۳۷۹: ۵ ج: ۱۵۹
- مضامین مشترک با حافظ

در دیوان جلال الدین عتیقی بیشترین اشتراک مضامین، موتیف‌ها، اوزان، شیوه و صف، قافیه و ردیف و... با حافظ دیده می‌شود.

در آب و گل بنهاده پا بودم که درد عشق او	در جان ما آتش زده با خاک ما آمیخته
نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود	ز ما نه طرح محبت نه این زمان انداخت
دوش ز سودای تو هیچ نکردیم خواب	دیده بی حاصلی نقش تو می زد برآب
دیشب به سیل اشک ره خواب می زدم	نقشی به یاد خط تو برآب می زدم
مغان ازین پس خاکم کنند قبله خویش	که آتشی که نمیرد در آن میان بینند
از آن به دیر مغانم عزیز می دارند	که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
کیست در من که بدین زندگی ام راضی نیست	که برون بسته دمم واو ز درون در غوغا ست
در اندرون من خسته دل ندانم کیست	که من خموشم و او در فغان و در غوغا ست

آرایه‌ها و صنایع

با توجه به حجم صفحات و تعداد ابیات دیوان عتیقی، بررسی بسامد انواع آرایه‌ها و صنایع ادبی در همه دیوان او کاری مشکل و از حوصله یک مقاله علمی فراتر است؛ بنابراین برای مشخص کردن الگوی بسامدی آرایه‌ها و صنایع ادبی، مبحث غزلیات - که عمده شهرت عتیقی نیز است - مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج آن در این بخش آورده می‌شود.

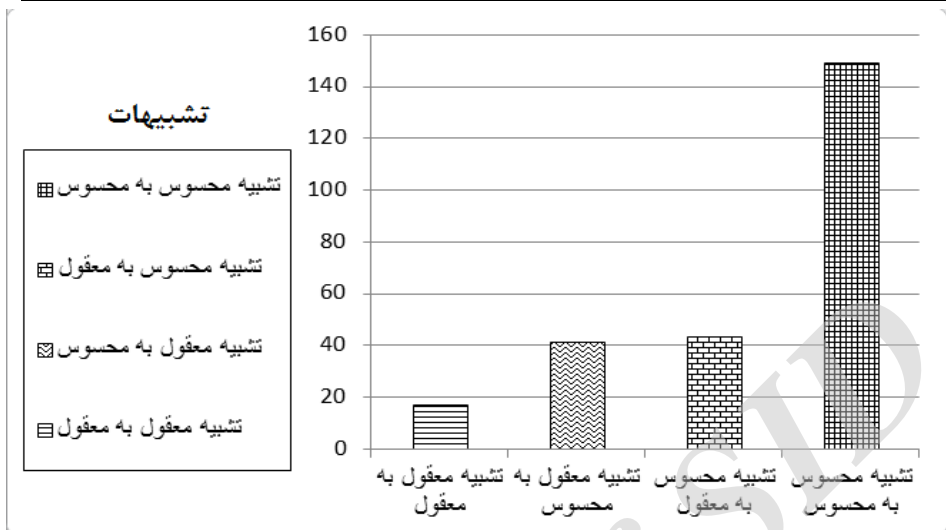
(۱) تشبیه

عمده تشبیهات در دیوان عتیقی، از حیث طرفین تشبیه، تشبیه محسوس به محسوس و معقول به محسوس است، اما بسامد تشبیه محسوس به معقول نیز چشمگیر و قابل اعتنا است. از مجموع ۲۵۰ تشبیه تازه و بدیع در مبحث غزلیات؛ تعداد ۱۲۶ تشبیه آن تشبیه محسوس به محسوس و ۴۳ تشبیه آن از نوع تشبیه محسوس به معقول و باقی انواع دیگر تشبیه است که البته با توجه به کم کاربرد بودن نوع دوم تشبیه (محسوس به معقول) این تعداد از تشبیه در غزلیات عتیقی حائز

اهمیت است. اگرچه بیشتر صنایع پیچیده عتیقی در قصاید او آمده است اما به دلیل اینکه تعداد ابیات، در بخش قصاید در قیاس با غزلیات بسیار اندک است، در بررسی بسامدی صنایع ادبی اولویت شاهد مثال‌ها با بخش غزلیات است.

چون ضمیر موحدان فارغ	روی او از کدورت اشیاه
طره اش همچو ظلم معشوقان	خوبیش عیب پوش جرم و گناه
۶۵۹ ب ۱۰ - ۹	
وسیع ساحت ملکش چو دست‌گاہ امل	رفیع پایه قدرش چو مدرج افکار
۶۵ ب ۶	
در قرطه کبود چو خورشید در سپهر	وا ندر میان اشک چو گلبرگ در گلاب
۲۲۷ ب ۸	
رشته دندانته زیر پسته خندان	همچو یقینی نهفته زیر گمان است
۳۲۴ ب ۷	
طره شب در شکست برفکن از رخ نقاب	روز کن این تیره شب از رخ چون آفتاب
۲۲۴ ب ۱۱	

در بیت نخست روشنی و زیبایی روی معشوق که امری حسی است به ضمیر موحدان که امری عقلی است تشبیه شده است و در بیت دوم نیز، طره که امری محسوس است به ظلم که امری معقول است تشبیه شده است و در هر دو مورد وجه شبه امر محسوسی است. در بیت سوم که از بخش قصاید شاهد آورده شده است؛ ساحت ملک که امری محسوس است به دست‌گاہ امل و آرزو که امری معقول است تشبیه شده است. و در مصرع دوم دو طرف تشبیه، معقول است (مشبه: رفعت قدر، و مشبه به: مدرج افکار). در بیت چهارم دندان معشوق به یقین نهفته در زیر گمان تشبیه شده است که مشبه مقید (دندان زیر پسته خندان) محسوس و مشبه به مقید (یقین نهفته زیر گمان) امری معقول است. نمونه‌های بسیار فراوانی از این نوع تشبیهات در سراسر دیوان عتیقی وجود دارد که چون بنا بر اختصار است به همین اندک بسنده می‌شود.

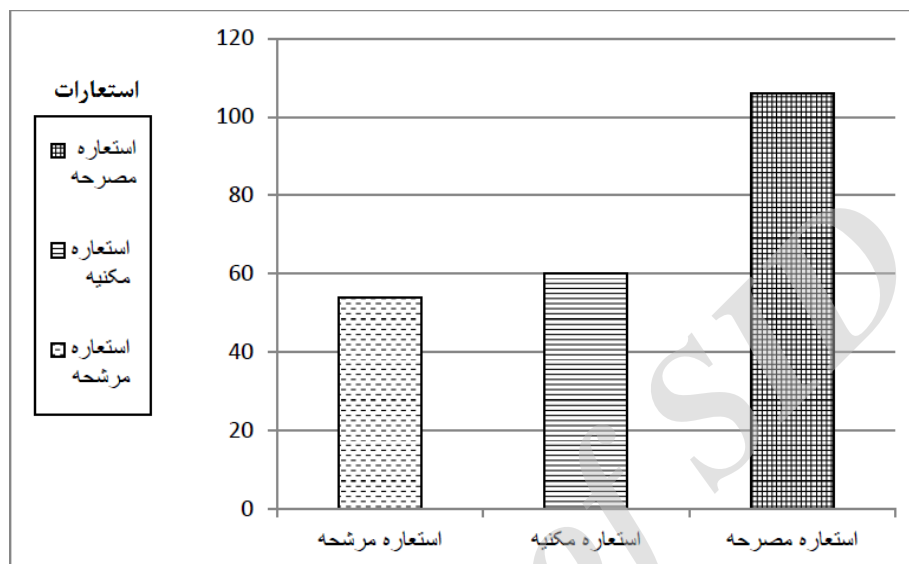


۲) استعاره

زبان استعاری عتیقی در این دیوان، که عمدتاً در غزلیات به کار گرفته شده است، ساده و به دور از پیچیدگی و دیریابی است و معمولاً استعاره های رایج سبک عراقی و از نظر بسامدی بیشتر از نوع استعاره مصرّحه است اگر چه نمونه های بسیار متعالی انواع دیگر استعاره نیز در این اثر به چشم میخورد اما از نظر بسامد، استعاره های مصرّحه در مرتبه نخست است. از مجموع ۱۲۰ استعاره بدیع و تازه بررسی شده در غزلیات، ۱۰۶ استعاره مصرّحه، ۶۰ استعاره مکنیه و ۵۴ استعاره مرشحه بوده است.

یارب آن لاله که از سرو سهی سر بر کرد	حسن اندر چمن جان به چه آبش پرورد ۱۹ ب ۲۹۶
ز غنچه دور کن سنبل به طعنه تا نگوید کس	که روح القدس در دور قمر ز نار می گیرد ۵ ب ۳۰۷
به چمن سرو او خرامان شد	زو به صد رنگ و بو گلستان شد ۸ ب ۳۳۲
ژاله اش بر گل شد از نرگس روان	گشت ریزانش ستاره ز آفتاب ۳ ب ۲۲۶
رشته دندانت زیر پسته خندان	همچو یقینی نهفته زیر گمان است ۷ ب ۳۲۴

طره شب در شکست بر فکن از رخ نقاب روز کن این تیره شب از رخ چون آفتاب
۲۲۴ ب ۱۱



ایهام

یکی از آرایه‌های مهمی که به ویژه در بخش غزل‌های دیوان عتیقی از بسامد بالایی برخوردار است آرایه لطیف ایهام تناسب است که در سراسر غزلها به طور پنهان و بسیار هنری به کار رفته است و علاوه بر مضمون‌سازیهایی لطیف، کلام را چند صدایی کرده است. این هنر بعدها در شعر حافظ به کمال پختگی رسیده است.

با عارض با آب او آبی ندارد زهد خشک این توبه را خواهیم زدن بر سنگ قلاشی سبو
۶۸۹ ب ۶

معنی قریب آب، رنگ و طراوت است و معنی بعید آن مایع معروف است که در این معنی دوم (بعید) با معنی بعید خشک (در مقابل تر) در ترکیب زهد خشک ایهام تضاد دارد.

چون به پایان آورم سودای تو چون سایه هم میرمش در پا چو بوسد پاش آن زلف دو تو
۱۴۶۹۰ ب ۱۴

ایهام تناسب بین سودا در معنی بعید سیاه با سایه و زلف

جان به کف بر همچو لیغم تا فشانم بر تو جان سر پر از سودا چو سنگم تا کشم در پات رو
۱۳۱۴ ب ۳۶۰

معنی قریب کف سطح دست است و معنی بعید آن، کف و حباب صابون است که بین این معنی بعید کف و لیف ایهام تناسب است.

مختصات فکری:

همانگونه که در مبحث " بحث و بررسی " این مقاله اشاره شده است اگرچه دبستان فکری عرفان و تصوف قبل از ظهور و حضور مغولان در جامعه ایران اسلامی رواج داشته است و بازتاب آن در آثار گویندگان زبان فارسی دیده میشود اما حضور مغولان باعث دگرگونی چشمگیری در روش و منش پویندگان این راه شد و این تحول در زبان و ادبیات هم تأثیر داشته است.

۱) افکار صوفیانه

اگرچه بیشتر شهرت عتیقی، در شاعری و وعظ، بوده است اما در دیوان شعر او اشعار فراوانی وجود دارد که حاوی معانی و مفاهیم و مضامین لطیف عرفان عاشقانه است. و گاه به دل بستگی و گرایش خود به عرفان هم اشاره میکند:

گر چه خراب دارم از غم سراچه دل لیکن ز گنج عرفان ویران دل است خرم

۱۰۶ب ۱

۱-۱) ملامت زاهدان (ترجیح عشق بر زهد)

بگذر ای زاهد که در صد خلوتت ناید به دست آنچه من بینم از عشق روی ساقی در شراب

۲۷ب ۱۶

عیب مستان مکن ای زاهد ازین بیش امروز کانچه فردا چه شود چونکه نداریم یقین

۴۸ب ۲

تو چه دانی اگر این نقش ز ما نپذیرند راست بینی کژی ما همه چون نقش نگین

همان ۳

زهد ما را بخرید او به می آن باری بود باز افکندم و رستم هم از آن و هم از این

همان ۵

۱-۲) ملامت صوفیان

ملامت کم کن ای صوفی که با تو صلح کردم من تو را دنیا و عقبی و مرا آن ترک یغمایی

۷۴ب ۲

۱-۳) ترک دنیا کردن

دانی که دین چه باشد ترک مراد گفتن بهر مرادجویی تو دین کنی بهانه

۷۴ب ۱

نتیجه:

عتیقی شاعری است که به حکم آموخته ها و پیشینه خانوادگی، دل در گرو مفاهیم عرفانی و افکار صوفیانه داشته است و این دل بستگی و تعلق خاطر در اشعار او به روشنی پیدا است. آنچه از

زبان، و اندیشه عتیقی در دیوان شعر او بازتاب یافته است او را سخنور و ادیبی از زمره عارفان شاعر و صوفیان گرمرو، معرفی میکند که ذهن و زبان او در پرتو قرآن و علوم اسلامی شکل پذیرفته است. زبان او پیراسته از کلمات ترکی و مغولی و آراسته به مفردات و ترکیبات نادر فارسی و عربی است. از نظر ادبی کلام او در بکارگیری صنایع و آرایه‌ها، معتدل و میانه است و از نظر فکری، افکار او عمدتاً ریشه در مبانی تصوف و عرفان مثل عشق، وحدت وجود، بزرگداشت مقام معشوق، اندوه فراق، شوق وصال و... دارد. که مجموعه این نکات، ضرورت مطالعه و شناخت اشعار او را بیشتر میکند.

فهرست منابع

الف) کتابها:

۱. بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر (بی تا) چاپخانه تهران
۲. تاریخ مغول، اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات ساحل
۳. تاریخ گزیده، مستوفی، حمدالله، تصحیح عبدالحسین نوایی (۱۳۶۸)، تهران، انتشارات امیر کبیر
۴. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳) چ ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر
۵. دانشمندان آذربایجان، تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴) تهران، مطبوعه مجلس
۶. دیوان انوری، انوری ابیوردی، اوحد الدین، تصحیح و مقدمه از محمد تقی مدرس رضوی (۱۳۷۳)، چ ۴، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۷. دیوان حافظ، حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی (۱۳۵۸)، انتشارات علمی
۸. دیوان عتیقی، عتیقی، جلال الدین، به کوشش نصرالله پورجوادی و سعید کریمی (۱۳۸۸)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۹. دیوان حکیم سنایی، سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۷۵)، تصحیح پرویز بابایی، تهران، انتشارات نگاه
۱۰. خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، کاشی، میر تقی الدین، تصحیح نفیسه ایرانی (۱۳۹۲)، تهران، میراث مکتوب
۱۱. روضات الجنان و جنات الجنان، ابن کربلایی، تصحیح جعفر سلطان القرایی (۱۳۴۹)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۱۲. کلیات دیوان شمس تبریزی، بلخی، جلال الدین محمد، تصحیح محمد عباسی (۱۳۷۲)، تهران، انتشارات طلوع
۱۳. کلیات سعدی، سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (۱۳۷۱)، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات ققنوس

۱۴. سفینه تبریز (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی)، تبریزی، ابوالمجد محمدبن مسعود (۷۲۱ه. ق) با مقدمه عبدالحسین حائری، تهران، انتشارات مرکز دانشگاهی
۱۵. متن و شرح مثنوی مولانا، -----، -----، تصحیح و شرح محمد استعلامی (۱۳۷۹)، تهران، انتشارات سخن
۱۶. مجالس، -----، -----، تصحیح سعید کریمی (۱۳۹۲)، تهران، انتشارات میراث مکتوب
۱۷. مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، سجادی، سیدضیاء الدین (۱۳۸۵) تهران، انتشارات سمت
۱۸. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۸) چ ۱۱، انتشارات آگه
۱۹. لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، چاپ اول (۱۳۷۳) از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران

(ب) مقالات:

۱. تصحیح و معرفی مثنوی مناظره آهو و کمان عتیقی تبریزی، چرمگی عمرانی، مرتضی و علی اکبر رضانی، فصلنامه پیام بهارستان، ش ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۴۷-۲۳۴